

نامه سید احمد خمینی به منتظری خود افساگری سران جمهوری اسلامی

خواهند شد، "نامه سید احمد خمینی با توجه به اعتراضات و نپذیرفتن آشکار و پنهان امر برکناری منتظری توسط نیروهای طرفدار رژیم و برای پرونده سازی و توجیه این امر، سراسیمه سرهم بندی و نگاشته شده است.

برای ارائه تصویری عینی از آنچه که در درون حکومت در هم شکسته خمینی می گذرد و روابط متقابل سردمداران و قطب های حکومتی بخش هایی از نامه مزبور را درج می کنیم. این نامه خود به بهترین شکل فساد و تباهی رژیم جمهوری اسلامی را بازتاب می دهد.

در مقدمه نامه سید احمد خمینی ذکر شده است: "چه بسا نسل معاصر و آیندگان بر اساس ناآگاهی تصور کنند که جنبه عالی را یک شبه و بدون مقدمه کنار گذاشته اند، در حالی که به هیچ وجه بقیه در صفحه ۲

پسر خمینی به نمایندگی از طرف وی نامه ای را که در میان حکومتیان به "رنجامه" صدوده صفحه ای سید احمد معروف شده است، منتشر کرد. این نامه که خطاب به منتظری نوشته شده است با هدف افشای او در مقابل امت حزب الله و زمینه سازی برای ادامه حمله به او و اطرافیان انتشار یافته است. روزنامه اطلاعات که در شماره ۲۶ اردیبهشت خود این نامه را در چهار صفحه به شکل ریز به چاپ رسانده است، قبل از آن نامه ای از خمینی خطاب به وزرا و نمایندگان مجلس را منتشر کرده است. در نامه اخیر، خمینی نوشته است: "شنیدم در جریان امر حضرت آقای منتظری نیستید و نمیدانید قضیه از چه قرار است... یا دلی پر خون حاصل همرم را برای مصلحت نظام و اسلام کنار گذاشتم انشاءالله خواهان و برادران در آینده تا اندازه ای روشن



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۸ خرداد ۱۳۶۸ برابر با ۲۹ مه ۱۹۸۹
بمراه ۶۰ ریال - سال ششم - شماره ۲۵۹

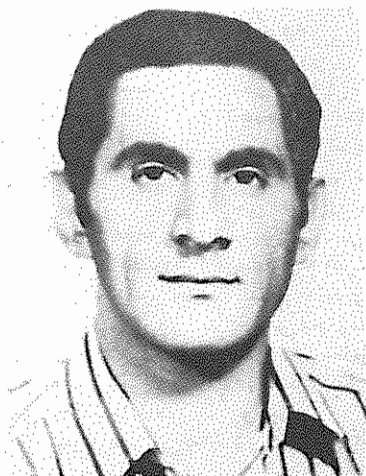
صد هزار اسیر به مرگ تدریجی محکوم شده اند

با گذشت بیش از یکسال از آتش بس در جبهه های جنگ ایران و عراق هنوز از بازگشت اسرای جنگی دو طرف به وطن و خانه خود خبری نیست. بر پایه ارقام منتشر شده از سوی برخی محافل تعداد اسرای دو کشور تقریباً بیش از صد هزار نفر را تشکیل می دهند. گفته می شود در بازداشتگاه های اسرا در ایران حدود ۷۰ هزار اسیر عراقی و در بازداشتگاه های عراق در حدود ۳۰ هزار اسیر ایرانی بسر می برند. هر دو طرف آزاد کردن اسیران جنگی را منوط به پیشرفت مذاکرات صلح و اجرای مفاد مورد نظر خویش در قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل دانسته و از آزادی بی قید و شرط این اسیران که سالهاست از خانه و کاشانه خود بدور مانده اند و در شرایط غیر انسانی در بازداشتگاهها به سر می برند، امتناع می ورزند.

ادامه اسارت دهها هزار اسیر ایرانی و عراقی در بازداشتگاه های دو رژیم چیزی جز مرگ تدریجی آنها نیست. مرگ تدریجی دهها هزار انسانی که از کارخانه و مزرعه و اداره و آموزشگاه روبرو شده و به میدانهای کشتار جنگ بقیه در صفحه ۳

یک سال از مرگ قهرمان گذشت

دشمن ضدبشر از انوش آغاز کرد، هنوز طرح مشخص تبهکاری هولناکی را که در پیش داشت ترسیم نکرده بود. اما برای رژیم، در هر حال انوش، فاتح شکنجه گاه، قهرمان پایداری و سبیل مقاومت زندان می بایست کشته شود. قهرمان ملی، رفیق انوشیروان لطفی عضو کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در روز ۵ خرداد سال گذشته در مقابل جوخه اعدام قرار داده شد سازمان ما همان زمان اعلام کرد که اعدام انوش یک تصمیم سیاسی است، همان زمان اعلام شد که رژیم با اعدام رفیق انوشیروان لطفی، در شرایط پذیرش اجباری قطعنامه صلح، بقیه در صفحه ۳



خاوران غرق در گل

در این شماره

انتخاب میخائیل گارباچف به عنوان
صدر شورای عالی اتحاد شوروی

در صفحه ۱۰

خمینی تحت عمل جراحی قرار گرفت

در صفحه ۱۲

دزدی، مواد مخدر، فحشا
کودکان برزیلی در مبارزه بخاطر بقا

در صفحه ۸

نظری به "ناصر خسرو" تهران

در صفحه ۶

تشدید بحران سیاسی در چین

بوده است. در شرق میدان موزه هایی قرار دارند که در آنها تاریخ و انقلاب چین نمایش داده می شود.

مائوتسه تونگ در اول اکتبر ۱۹۴۹ در همین مکان جمهوری خلق چین را اعلام کرد.

وسعت و موقعیت این میدان آن را از همان بدو پیدایش به مکان مناسبی برای نمایشات خیابانی مبدل نمود. در ۴ مه سال ۱۹۱۹ دانشجویان در همین میدان تظاهراتی بر پا کردند که نقش بزرگی در جنبش میمن ایفا کرد. هلت این تظاهرات انضمام قسمتی از خاک چین به ژاپن پس از جنگ جهانی اول بود. در سالهای ۱۹۲۶ و ۱۹۳۵ در این مکان میتینگ های ضد ژاپنی برگزار شد که این آخری آغاز نبرد قطعی علیه هجوم ژاپن به چین را بشارت داد. در طی ۱۰ سال انقلاب فرنگی از سال ۱۹۶۶ بقیه در صفحه ۹

میدان دروازه صلح آسمانی در قلب پایتخت چین در تاریخ ۹۰ ساله خود صحنه تظاهرات و مراسم بسیاری بوده است. این میدان که مساحت آن ۴۰ هکتار است در آغاز قرن کنونی ساخته شد. در دوران امپراتوری - قبل از سال ۱۹۱۱ - ادارات دولتی در حصار ای دیوارهای بلند در اطراف این میدان بنا شده بودند.

این میدان در برگیرنده برخی از مهمترین سمبولهای جمهوری توده ای چین است. در انتهای جنوبی آن مقبره مائوتسه تونگ بنا شده است. در مرکز میدان بنای یادبود قهرمانان خلق به یساز مبارزه حزب از هنگام تشکیل آن در سال ۱۹۲۱ تا کسب پیروزی در سال ۱۹۴۹ - قرار دارد. قسمت غربی این میدان جایگاه تالار بزرگ خلق است. این تالار محل کنگره ملی خلق به جایگاه پذیرایی از مهمانان رسمی؛ و از سالهای ۵۰ به این سو، مکان برگزاری کنگره های حزب

خودافشاگری سران جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول

هست در ملاقات آخر خود با امام شما نیم ساعت حرف زدید و امام سکوت کردند وقتی بلند شدید بروید امام فرمودند: «بیشتر حرفهای شما درست نبود خدا انشالله مرا ببخشد و مرگم را برساند» امام تنها همین دو جمله را فرمودند آیا از خود پرسیده‌اید که چه کردید که امام مرگ خود را از خدا خواسته است؟ ... چند

قلط را کرده اند و در وقت حج آبرویمان را بردند غیر قابل تعقیبند ولی آقای حسینی و سید مهدی هاشمی باید تعقیب و محاکمه شوند»

اولا معروف است که این کار را هم سید مهدی هاشمی و یایادی ایشان انجام داده‌اند، ثانیاً آیراهی برای کارهای انقلابی فیز از آنچه درمکه شد وجود دارد، البته

طرفند ممکن است بعد از امام بعضی از آنان از شما تقلید کنند... این همه اهل این که خود را به آب و آتش بزنند نیستند و از آنجا که شما زمینه امام را ندارید و دشمن زیاد دارید به محض احساس خطر از شما می‌برند و روی این دسته هم نمی‌توانید سرمایه‌گذاری کنید، چرا که شما اهل مبارزه‌اید و افرادی را می‌خواهید که اهل به آب و آتش زدن خود باشند... انشالله فاصله نمی‌گیرید و دوباره دوستان خوب قدیم خود را جذب خواهید کرد که انشالله این گونه بشود، البته این در صورتی است که یکی دو سال دست به هیچ کاریز معقولی نزنید و کاملا در خط امام باشید و از لیبرالها و منافقین فاصله بگیرید و از آخوندهای مرتجع‌تری که تا دیروز

این گونه نبوده است... فرضم این است که ثابت شود جریان توطئه‌گر طیف مهدی هاشمی با القائات خود شما را وادار به مواضعی کرده‌اند که بعضی از گفته‌های شما چیزی جز خواست دشمنان قسم خورده انقلاب و اسلام نبود... مجور نامه سید احمد بر ذکر متن باز جویی‌هایی است که از مهدی هاشمی قبل از اعدام گرفته شده است، اعترافات سید مهدی هاشمی که اثرات کابل‌های «سربازان گمنام امام‌زمان» نیز بر کلیت آن هویدا است مبنای افشاگری‌ها و پرونده سازی‌های فرزند خمینی علیه منتظری است، سید احمد در این نامه در جای جای آن از منم زدن و طرح کردن خود به شیوه آخوندی خودداری نکرده و از جمله نوشته است: «اگر

منتظری در نامه به خمینی:

«شنیده شد فرموده‌اید فلانی مرادش و اطلاعات مرا ساواک شاه فرض کرده است، البته حضرت تعالی را شاه فرض نمی‌کنم ولی جنایات شما و زندان‌های شماروی شاه و ساواک را سفید کرده‌است»

وقتی بعد از این قضایا روزی که در مورد شما بحثی پیش آمد، امام فرمودند من حاضرم با آقای هادی ملاقات کنم من خیلی تعجب کردم و این بدنبال نامه شما به آقای نخست وزیر بود که اطرافیان آن راه صورت شب‌نامه پخش کردند، امام با محبت با آقا هادی برخورد نمودند و به ایشان گفتند آقای منتظری را از چنگال نهضت آزادی و آخوندهای مرتجع نجات دهید... خوب می‌فهمیدم که آقا هادی در دل می‌گفت من میدانم که شما کسی را غیر از آقای منتظری ندارید... وزارت اطلاعات از ترس شما حکم تبعید آقای هادی هاشمی را به عنوان مهره خطرناک، از امام گرفتند بعد که مسائل روشن شد و قرار شد آقا هادی راه تهران بخواهند شما او را در منزل مخفی کردید و بعد به من گفتید من آقا هادی را از وزارت اطلاعات دزدیدم.

اینگونه کارها گاهی بدون کیرو اشکال انجام می‌گیرد و گاهی لو می‌رود.

در نامه ۶۵۷/۱۷... آیا میدانید در جمهوری اسلامی بر خلاف آنچه در فرقه خوانده‌ایم نه جان مسلمان محترم است نه مال او، قاضی حکم می‌کند مال او را بدهید خانه او را بدهید کسی گوش نمی‌کند، مخصوصا اگر در تصرف بنیادهای انقلاب باشد و افراد شورای عالی قضایی هم از ترس یکدیگر و یا ترس تلفن‌های مقامات و یا جوسازی‌های قلط بر همه این خلاف شرها بوسیله سکوت صحنه می‌گذارند...»

به آقا هادی گفتم ایشان خودش تصدیق کرد که خواسته است به صورتی بگوید که قتل مرحوم

سید احمد خمینی در رابطه با حمل مواد منفجره به هرستان:

«آیراهی برای کارهای انقلابی غیر از آنچه در مکه شد وجود دارد، البته اینگونه کارها گاهی بدون کیرو اشکال انجام می‌گیرد و گاهی لو می‌رود.»

دکتر سامی به گردن نظام بیفتد و بعد به شما گفتم اولاً که معلوم نیست فلاحیان چنین چیزی گفته باشد، از آن گذشته سامی که منافق نبود آیا خدا را خوش می‌آید هر قتل و قارتی را به گردن نظام بیندازید و حال می‌گویم: صرفاً به خاطر این که اطلاعات، مهدی هاشمی را به جزایش رسانده است باید هر قتلی را به گردن سربازان گمنام امام زمان علیه‌السلام انداخت؟ ... من مطمئن هستم یک بند از «آیا میدانید» هایی که به امام نوشته‌اید راست نیست... یادتان

و هاپیتان می‌دانستند و احتمالا امروز از قلاعه امیرالمومنین و نیز از افرادی که تا دیروز سبک‌سرتان می‌خواندند ولی امروز مبارزی خستگی ناپذیر، جدا جدا شوید، من فعلا تنها خطر شما را منافقین و لیبرال‌های بی‌دین و مرفهین بی‌درد نمی‌دانم من علاوه بر آنها خطر را در آخوندهای بدجنس و متحجری می‌دانم که در نصف امام را متهم به

ترویج شما از امام به عنوان یک مجتهد مسلم پر فایده بود، ترویج من هم به عنوان فرزند امام از شما موثر بود، در سال ۵۸ من قائم مقامی رهبری شما را به خیال اینکه رضای خدا در آن است عنوان نمودم»

سید احمد خمینی که در نوشتن این نامه تقویت مواضع خود در جنگ قدرت در آستانه تغییرات در حال انجام در قانون اساسی را مورد توجه داشته است می‌نویسد: «من به آقای هادی هاشمی در یکی از ملاقات‌های چندساعته‌ام گفتم که آقای منتظری مانند ظرف شیشه‌ای می‌ماند و امام ظرف فلزیند، اگر به هم بخورند ایشان خرد می‌شود، به ایشان بگوئید... به ایشان (منتظری) گفتم که امروزه افراد اهل تقلید و روحانیون یا مقلد امام هستند یا مقلد غیر امام هستند، آنها که مقلد دیگر مراجع بزرگوار اسلامند یا بودن امام حاضر نشدن از حضرت امام تقلید کنند چه رسد به شما... اما مقلدین امام بر سه گونه‌اند یا با شما دشمنند، یا با شما دوستند و یا بی‌طرفند، آنها که مقلد امام هستند و با شما دشمنند می‌دانید تعدادشان کم نیست... اما آنانی که مقلد امام هستند و بی

در نامه به امام نوشته‌اید:

«شنیده شد فرموده‌اید فلانی مرادش و اطلاعات مرا ساواک شاه فرض کرده است، البته حضرت تعالی را شاه فرض نمی‌کنم ولی جنایات اطلاعات شما و زندان‌های شما روی شاه و ساواک را سفید کرده است، من این جمله را با اطلاع دقیق می‌گویم.»

آیا برادران خوبان در اطلاعات و زندان‌ها مانند حضرات حجج اسلام ری شهری، فلاحیان، رازینی، نیری، پورمحمدی، رئیسی و بسیاری دیگر از همین افراد خوب یعنی برادران مبارزی که به قول امام همه گونه ناسزا از ساده اندیشان موجه تحمل می‌کنند

تارک الصلوة بودن کردند و پانزده سال خون به دل امام کردند، حواستان جمع باشد...

راستی آیا امام نهضت‌های آزادی بخش را جرم می‌دانستند؟... آری امام با نهضت‌هایی که سر در آخور بیگانه داشته باشند مخالف بودند، امام با نهضت‌هایی که پولش را دیپلمات و سیاست‌ش را بیگانه‌ای دیگر تعیین کند مخالف بود، در همین نامه در رابطه با مواد منفجره در هرستان آورده‌اید: «اینک آنان که در سپاه اینکار

و خم به ابرو نمی‌آورند از تیمسار نصیری، تیمسار مقدم، ثابتی، منوچهری، حسینی، کمالی و دیگر شکنجه‌گران شاه در سایر شهرستان‌ها بدترند؟

... اگر این نامه‌ها و مصاحبه‌ها و نوشته‌های آقای مهدی هاشمی را نشان شما و افراد بیتتان نمی‌دادیم امروز نمی‌توانستیم ثابت کنیم که شما بلندگوی منافقین و لیبرال‌ها شده‌اید... آیا دیگر کسی حرف‌های ضد انقلاب را باور می‌کند که حذف آقای منتظری تصفیه‌ای است از طرف جناحی از حکومت علیه جناحی دیگر؟

در همین نامه بی تاریخ نوشته‌اید:

"من حدس می‌زدم روزی حضرتعالی از اکثر هلاک‌مندان منتقل شویدی ولی همان نمی‌کردم به این زودی هملی شود."

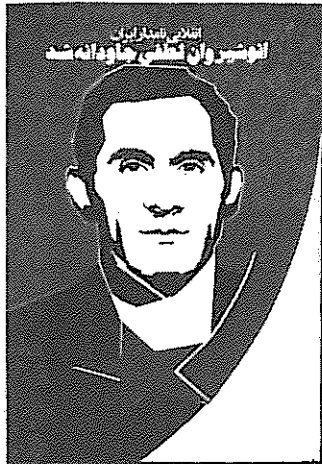
... بار دیگر دوستانه از شما می‌خواهم که کمی فکر کنید آیا آنهایی که اصیلند و در مبارزه بوده‌اند هیچ‌کدامشان حاضرند امام را رها کنند و شما را بگیرند؟ اگر یک اشتباه دیگر مرتکب بشوید و به آخوندهایی که تا دیروز شما را و هابی می‌خواندند نزدیک شوید آبرویان می‌رود. آنجا به خون امام تشنه‌اند.

نوشته‌اید: "ما تا به حال از خشونت‌ها نتیجه‌ای نگرفته‌ایم" ما اصولاً خشونت‌ی به خرج نداده‌ایم.

سید احمد خمینی در پایان نامه خطاب به منتظری نوشته است: "اگر تندی نامه متاثرتان ساخته است خود را جای امام بگذارید و آنوقت کمی فکر کنید که خدا را خوش می‌آید تا شما برای دلخوشی چند لیبرال و منافق پیرمردی زنده دل و الهی که همه عمرش را صرف اعلام کلمه الله کرده است آدم کش و مخصوصاً زنان بچه‌دارکش معرفی کرده باشید..."

این بازتاب نفرت عظیم توده‌ای، بازتاب رسوایی گسترده خمینی آدم‌کش و حکومت ضد بشری او و تزلزل تمامی ارکان آن است که این حد خود افشاگری را تحقق بخشیده است. دیگر خرقة سالوس و ریا نمی‌تواند پیکر منحوس و پلید خمینی را بپوشاند. ابایی او مجبورند صریحاً و با بیان گوشه‌ای از توصیفات که آثار این "پیرمرد زنده دل و الهی" می‌شود به دفاع از او برخیزند. اما دیگر دفاع نیز خصلت خود افشاگرانه یافته است.

یک سال از مرگ قهرمان گذشت



باز دوباره این حمید بود و شاپور و احمد و... و انوش که نبود هر یک فاجعه‌ای جداگانه را همینیت می‌بخشید. و در این جایگاه است که تیرباران انوشیروان لطفی همچنان از بزرگ‌ترین جنایات رژیم خونخوار خمینی و بزرگداشت نام و یاد و خاطره و آرمان و میراث انقلابی‌اش درک و عاطفه مشترک همه مافدائیان خلق است. انوش و میراث گرانقدرش به همه جنبش انقلابی میهن ما تعلق دارد.

درس‌آنگرد شهادت رفیق انوشیروان لطفی

خاوران غرق در گل

روز جمعه ۵ خرداد برای بزرگداشت خاطره جاودان قهرمان ملی، فدایی خلق رفیق انوشیروان لطفی جمعیت بسیار زیادی در خاوران گرد آمدند. آنان در سالگرد شهادت قهرمان خلق در خاوران حضور یافتند تا قهرمانی و پایداری و شرف و عشق را پاس دارند. تا رژیم تبهکار جمهوری اسلامی را آماج کین و شعارهای افشاگر خود کنند. روز جمعه ۵ خرداد انبوه مردم در گلستان خاوران گرد آمدند تا گور زندانی سیاسی گمنام را، گورهای جمعی انبوه قربانیان کشتار جمعی زندانیان سیاسی را گلباران کنند. روز جمعه ۵ خرداد، در سالگرد اعدام رفیق انوشیروان لطفی انبوهی از مردم در دشت خاوران گرد آمدند تا ندای مبارزه جویی و کین خواهی و وحدت در برابر حکومت جلاذ خمینی سردهند. آنان گرد آمدند تا به رژیم دژ خمینی نشان دهند که با بولدوزر انداختن بر خاک خاوران و از بین بردن هر نشانه از گور هم‌یزان در خاک خفته، نشان واقعی آنان از دیده‌ها پنهان نمی‌ماند. هر سنگی در خاوران نشان از انوش و رضی و سعید سلطانپور و دیگر قهرمانان خلق دارد. این نشان‌ها شفاف‌تر بر دل‌های ما، بر ضمیر آگاه مردم ما، نقش بسته است.

صدهزار اسیر ایرانی و عراقی به مرگ تدریجی محکوم شده‌اند

زندگی آزاد بیش از صدهزار انسان اسیر به دفاع از موازین بین‌المللی در مورد مبادله اسرای جنگی پرداخت. ما از تمام سازمان‌های حقوق بشر و کمیته صلیب سرخ بین‌المللی، از همه نیروهای صلح‌دوست و آزادیخواه و انسان‌دوست و از همه دولتهای جهان می‌طلبیم که به سرنوشت بیش از یکصد هزار انسان با بی‌تفاوتی برخورد نشود و برای آزاد کردن فوری این اسیران هر دو رژیم ایران و عراق را زیر فشار قرار دهند.

دو رژیم هنوز از طرف انکار عمومی برای آزادسازی این اسیران که سالهاست در شرایط چمنی بازداشتگاهها بسر می‌برند، زیر فشار جدی قرار نگرفته‌اند. زندگی بیش از صدهزار انسان به باد فراموشی سپرده شده است. بنظر میرسد کسی خود را در قبال سرنوشت آنان مسئول نمی‌شناسد. حق آزادی و زندگی آزاد و برخورداری از مواهب آن جز حقوق اولیه هر انسانی است. نباید در قبال مرگ تدریجی این انبوه انسانها سکوت کرد. باید از حق حیات آنان دفاع نمود. باید ضمن دفاع از حق

بقیه از صفحه اول
واهمه و هراس مرگ‌آفرین خود از آینده را بازتاب می‌دهد. رژیم جنایتکار خمینی بدینوسیله به خلق هشدار می‌دهد، از او انتقام می‌گیرد.

تیرباران انوش اندوهی بی‌پایان و زخمی عمیق بر جانمان نهاد. اندوهی که بارگراش بر دوش کشیدن سخت می‌نمود. تنها شعله انتقام گرمی بخش جان حزین مان بود. دیری نپایید که اندوه از پی اندوه و فاجعه پشت فاجعه فرود آمد. گشتند، گروه گروه، صد و هزار هزار بهت زده ماندیم. از آن همه جنایت و تبهکاری و اینهمه اندوه و هزا بهت زده به خود نگریستیم. "چه می‌گوئیم و در چه کاریم". دیگر فرصت اندوهگین تر شدن نیز نداشتیم. روزهایی بود که اندوه بزرگ از دست دادن هر هم‌یزان، در عظمت فاجعه همومی کم نمود می‌شد و اندوه عظیم خود با سرحد طاقت و توان آدمی مواجه بود.

اما زمان آن بهت و حیرت نیز سپری شد. اندک اندک، هر یک از فاجعه‌های جداگانه بطور مشخص رخ می‌نمود دیگر فقط، مجموع زندانیان سیاسی و فهرست نام‌ها و کلیت هم‌یزان از دست رفته نبود که جان می‌نرسد و خشم می‌آفرید. این زمان تک تک آن انسان‌های عاشق، جان‌های شیفته بودند که چهره به چهره با فردیت خود و نبودنشان را همچون حفره‌ای در دل فریاد می‌کردند و

بقیه از صفحه اول

فرستاده شدند. دهها هزار انسانی که چشم به دیدار هم‌یزان خویش دارند و خانواده‌هایشان هر یک دل به دیدار آنان بسته‌اند.

سخن بر سر جان بیش از صدهزار انسان است. دو رژیم ایران و عراق با امتناع از آزادسازی اسیران جنگی، بیش از صدهزار انسان را در بازداشتگاههای خود زنده بگور کرده‌اند و برای تاهمین منافع خود فراضه به معامله با جان آنان پرداخته‌اند.

متأسفانه در این مورد سازمانهای بین‌المللی هنوز موفق به انجام اقدامات اساسی نشده‌اند.

لغو اصل شورایی بودن مدیریت قوه قضاییه

دبیرخانه "شورای بازنگری قانون اساسی" اعلام کرد در جلسه روز پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه کمیسیون بررسی مسائل تمرکز مدیریت در قوه قضاییه، فصل یازدهم قانون اساسی مربوط به قوه قضاییه را در شور اول این کمیسیون مورد بررسی قرار داد و اصل شورائی بودن مدیریت قوه قضاییه را منقذ کرد.

بر اساس این گزارش، کمیسیون مزبور صفات مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی، مدیسیون و مدیر بودن را به عنوان شرایط اصلی احراز مقام مدیریت قوه قضاییه تصویب کرد. در این کمیسیون همچنین تصویب شد که انتخاب مدیر قوه قضاییه که به مدت پنج سال صورت می گیرد از اختیارات رهبری است.

تاکنون در کمیسیونها و کمیته های مختلف این "شورا" تغییر نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان این مجلس و همچنین نحوه مدیریت صدا و سیما تصویب رسیده است. در مورد تعداد نمایندگان مجلس مقرر شد که تعداد کنونی نمایندگان مجلس که در حال حاضر ۲۷۰ نفر است حفظ گردد ولی در آینده به از ۱۰۰ نفر یک میلیون نفر افزایش جمعیت در یک دهه یک نفر به تعداد نمایندگان مجلس افزوده گردد. همچنین تصویب شد که هرگز و نصب مدیر عامل صدا و سیما به اتفاق آراء و سالی سه قوه و با حکم رئیس جمهور صورت گیرد. ضمناً گفته شده است یک شورای هفت نفری از طرف رهبر و سه قوه ناظر بر حسن اجرای وظایف مدیر عامل گردد و وظایف و آئین نامه های مربوطه را سران سه قوه و قوانین مربوطه را مجلس تعیین نماید.

هماهنگی برای سرکوب

دوشنبه هفته گذشته اعلام شد که جلسه مشترکی از نمایندگان شورای عالی قضایی و "شورای امنیت" به منظور ایجاد هماهنگی بیشتر بین نیروهای اجرایی تشکیل شده است. در این جلسه که به ریاست اردبیلی و با شرکت محتشمی وزیر کشور و دادستان های عمومی انقلاب تشکیل شده بود اعلام شد کمیسیون مشترکی از نمایندگان شورای عالی قضایی و "شورای امنیت" تشکیل می شود که گزارش های مهم رسیده را بررسی کند و آن را به دو شورا به طور جداگانه اعلام کند. این کمیسیون مشترک وظیفه ایجاد هماهنگی بین نیروهای اجرایی، ضابطین و ماموران قضایی سراسر کشور و برخورد صحیح و اصولی با باند های فساد و فحشا و اشرار و هرگونه تحرک که موجب سلب امنیت جامعه و مردم می شود را بر عهده دارد.

جمهوری اسلامی برای نجات خود از چنگال بحران مانند همه رژیم های ارتجاعی چاره را در تشدید سیاست سرکوب و گسترش خفقان پلیسی و برق انداختن سرنیزه جلادان خود دیده است و در این راستا به هماهنگی بیشتر کار ارگان های سرکوب خود پرداخته است.

سفر ولایتی به سوریه

در تهران اعلام شد که ولایتی وزیر خارجه بعد از یک سفر ۲۴ ساعته به دمشق روز یکشنبه به کشور بازگشته است. ولایتی در دیدار خود با حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه پیام خامنه ای رئیس جمهور حکومت اسلامی را به وی تسلیم

ارائه برنامه "جهاد" بازنان توسط محتشمی

کشور می گذراند و بزودی تصویب و ابلاغ خواهد شد. محتشمی در این سخنان ضمن تجلیل از این اوباشان و معتز زین به بدحجابی و انقلابی خواندن آنان اعلام کرد همه مسئولین باید حامی این پایگاه های انقلاب باشند و اینکه صف مسئولین نباید از صف نیروهای انقلابی جدا باشد. وی در این مورد افزود: به شورای امنیت کشور دستور داده ام که حمایت از حزب الله و مردم مسلمان بایستی در سرلوحه همه کارها قرار گیرد و اگر کسی تخطی کند، شخصاً با آن برخورد خواهم کرد.

لازم به تذکر است که از اوایل سال جاری هر یک از مقامات حکومتی بشکلی به اعلام مبارزه علیه زنان تحت عنوان مبارزه با بدحجابی و فساد پرداخته اند. دو روز قبل از سخنان رفسنجانی در نماز جمعه اول اردیبهشت، رئیس کمیته های انقلاب اسلامی نیز طی بیانیهای در روزنامه های دولتی به زنان در مورد رعایت حجاب اسلامی هشدار داده بود.

در این بیانیه ضمن اشاره به ۸ مورد بدحجابی و بیابنی حجابی اعلام شده بود که مرتکبین به این موارد به ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شوند.

بعد از اینکه رفسنجانی در نماز جمعه اول اردیبهشت به زنان اعلام جنگ کرد، هلی اکبر محتشمی وزیر کشور حکومت اسلامی نیز در روز دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ماه به ارائه برنامه هملی برای تشدید تحمیلات ارتجاعی به زنان تحت عنوان مبارزه با بدحجابی و فساد پرداخت. محتشمی که در تجمع گروهی از اوباش و اراذل وابسته به حکومت سخن می گفت اعلام کرد: مبارزه با فساد و فحشا یک برنامه جامع فرهنگی-اجتهاهی است و تنها برخورد فیزیکی با فرهنگ فساد کافی نیست و رسانه های گروهی بایستی در یک جبهه واحد علیه آن وارد عمل شوند.

گروه مزبور که برای حمله به زنان در خیابان ولی عصر تهران گردهم آمده بودند بعد از مقابله مردم، مجبور شدند که خیابان ولی عصر را با هربده های جنون آمیز و سردادن شعارهایی در مبارزه با بدحجابی ترک کرده و در مقابل وزارت کشور برای استرداد از مامورین مسلح حکومتی تجمع نمایند.

در همین تجمع وزیر کشور افزود: طرح مبارزه با فساد و منکرات یک طرح جامع است که هم اکنون مراحل نهایی خود را در شورای امنیت

نموده است.

ولایتی در هنگام بازدید از سوریه با رهبران جنبش امل، حزب الله و جنبش توحید اسلامی و برخی از روحانیون لبنان و نیز احمد جبیرئیل رئیس "جبهه نجات برای آزادی فلسطین" دیدار و گفتگو کرده است. ولایتی در یک مصاحبه اعلام کرد که با حافظ اسد پیرامون روابط دو جانبه و همکاری های دو کشور بحث و گفتگو شده است و اینکه لازم بود که این مذاکرات در آستانه سفر حافظ اسد به مراکش برای شرکت در اجلاس سران اتحادیه عرب صورت می گرفت. وی در این مصاحبه افزود: لازم است دو کشور در چارچوب مناسبات برادرانه خود و بویژه در شرایط حساس کنونی با یکدیگر به مشورت و مذاکره بپردازند.

هلت دیدار و مذاکره با حافظ اسد توسط برخی مفسران با توجه به سیاست های جمهوری اسلامی در منطقه و نزدیکی این سفر با اجلاس سران کشورهای عضو اتحادیه عرب در محورهای زیر خلاصه شده است:

۱- جلوگیری از نزدیکی عراق و سوریه و حل اختلافات نیمابین این دو کشور که می توانست در جریان این نشست دنبال شود.

۲- تقویت گروه بندی های افراطی شیعه در لبنان از طریق ایجاد وحدت مابین این گروه ها و ایجاد یک "ارتش اسلامی" با هدف تقویت نفوذ حکومت اسلامی در تحولات لبنان

۳- تقویت دسته بندی ضد سازمان آزادیبخش فلسطین در وجود گروه های فلسطینی مخالف "یاس عرفات" از جمله گروه "احمد جبیرئیل" با هدف اعمال اراده بر روند انقلاب مردم فلسطین

۲۶ نفر دیگر در ملاعام بدار آویخته شدند

طبق اطلاعیه های "استاد مبارزه با مواد مخدر" در روزهای دوشنبه ۲ خرداد و شنبه ۷ خرداد ۲۶ نفر دیگر در شهرهای شیراز، مرودشت، کازرون، فیروزآباد، فسا و تبریز به اتهام خرید و فروش مواد مخدر و ارتباط با قاچاقچیان حرفه ای به چوبه دار آویخته شدند.

جمهوری اسلامی در طی ۵ ماه اخیر صدها تن را به همین اتهام و در چارچوب سیاست "مبارزه با قاچاق مواد مخدر" در انتظار عمومی به چوبه دار آویخته و هزاران تن را به زندان افکنده است. مطابق آمار منتشر شده در دو هفته اخیر بیش از ۷۰ تن در همین ارتباط اعدام و بیش از ۴۰ تن در درگیری مسلحانه با مامورین حکومتی کشته شده اند.

مسئولین حکومتی به جای مبارزه اساسی با ریشه های اعتیاد و گسترش آن در کشور که شکل فاجعه باری را به خود گرفته است راه کشتار قربانیان سیاست های خود را دنبال می کنند. این سیاست ها قبل از هر چیز خود را در تشدید فقر و فلاکت عمومی، بیکاری، گرسنگی، بی خانمانی، بی همدلی های اجتماعی و تحمیل فرهنگ قرون وسطایی مورد تأیید رژیم و ایجاد فشار روانی بر مردم به نمایش می گذارد.

پروورش "کودکان در جمهوری اسلامی"

هر نظام اجتماعی، شیوه های آموزشی و پرورشی ویژه خود را دارد. رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی نیز شیوه های پرورشی مبتنی بر سرکوب و شکستن شخصیت کودکان و نوجوانان را به کار می گیرد.

در مدارس جمهوری اسلامی اگر از چوب و فلک به شکل مکتب های اسلامی خبری نباشد، ناظم ها و مسئولین "برگزیده" مدارس، خودشان هر یک به تنهایی جای خالی چوب و فلک را پر می کنند. برای شناخت همین تر روش های تربیتی در مدارس جمهوری اسلامی، یکی از نمونه ها را ذکر می کنیم.

ناظم یکی از مدارس بندرعباس برای "تربیت" دانش آموزان به چنان خوشنوی متوسل می شود و دانش آموزان را به حدی کتک می زند که گاه به زخمی شدن آنها منجر می گردد.

اخیرا، این ناظم برای "ادب" کردن یکی از دانش آموزان، گوش های او را با دست های توی خود آنقدر فشار می دهد تا دانش آموز مزبور به عارضه کری دچار می شود.

والدین دانش آموز، از ناظم یاد شده شکایت می کنند. چند نفری از مسئولین اداره آموزش و پرورش بندرعباس به پدر و مادر دانش آموز می گویند که به ناظم مدرسه اخطار خواهند کرد، اما هلیبرقم گفته آنها ناظم مزبور به روش های خشن خود همچنان ادامه می دهد.

نظایر این اتفاق را در مدارس سراسر ایران می توان شاهد بود.

هر زندانی آزاد شده سندزنده ددمنشی رژیم

یکی از زندانیان سیاسی زندان اوین پس از آزادی از زندان به یکی از حوزه های نظام وظیفه مراجعه می کند. پزشک "حوزه نظام وظیفه" پس از معاینه زندانی آزاد شده متوجه می شود که او از نظر جسمانی در وضعیت بسیار بدی قرار دارد. پزشک مزبور از او می خواهد که پرونده پزشکی مدتی را که در زندان بوده برایش بیاورد.

زندانی سابق برای گرفتن پرونده پزشکی خود به زندان اوین مراجعه می کند. مقامات زندان از او یک سند مالکیت به عنوان گرو پرونده پزشکی می خواهند. او سند مالکیت یکی از بستگانش را به مقامات زندان تحویل می دهد، پرونده پزشکی اش را دریافت می کند و برای پزشک حوزه نظام وظیفه می برد.

پزشک مزبور پس از مطالعه پرونده به او می گوید: شماره ۱۲ بار عمل جراحی کرده اند، پاهای کلیه و کبدتان چندین بار مورد عمل جراحی قرار گرفته است. حالا شما فقط یک کلیه دارید که آن هم سالم نیست. در نتیجه بطور مسلم از خدمت نظام معاف هستید. امیدوارم با آنچه که تاکنون بر شما آمده از زندگی معاف نشوید!

بیهوشی ناشی از گرسنگی در مدرسه

گرانی، کمبود مواد غذایی، فقر و گرسنگی توده مردم ایران تا بدانجا پیش رفته که اکنون بازتاب آن در محیط های آموزشی جمهوری اسلامی مشاهده می شود.

کودکان خانواده هایی که به زحمت می توانند یک وعده غذای روزانه شان را تهیه کنند، چگونه می توانند درس بخوانند؟ گزارش زیر نمونه ای است از نمونه های پرشماری که در مدارس نقاط گوناگون ایران اتفاق می افتد:

در یکی از مدارس مشهد، هنگامی که آموزگار مشغول درس دادن بود، چند دانش آموز از حال رفتند. وقتی این دانش آموزان را به بیمارستان منتقل کردند، پزشک معالج علت بیهوشی کودکان را ضعف ناشی از گرسنگی تشخیص داد. فردای آن روز مدیر مدرسه در جلسه ای که با اولیای دانش آموزان ترتیب داده بود خطاب به آنها گفت:

"چرا به بچه هایتان صبحانه نمی دهید؟" اما خود این پدران و مادران نیز چیزی برای خوردن نداشته اند.

رژیم ورزشکسته

جمهوری اسلامی، رژیمی ورزشکسته است. این ورزشکستگی به حدی است که گاه تجلیات دوران ذهنی را به نمایش می گذارد.

اخیرا در پادگان نیروی دریایی بندرعباس برای تشویق کارکنان به صرف نهار به خرج خودشان، بخشنامه ای با مضمون زیر صادر کرده اند:

کلیه ناویانی که نهار را در پادگان صرف می کنند باید تا ساعت ۵ بعد از ظهر در پادگان کار کنند و آنهایی که در پادگان نهار نمی خورند می توانند ساعت ۱۲ دست از کار بکشند.

بیداد فحشا و اعتیاد

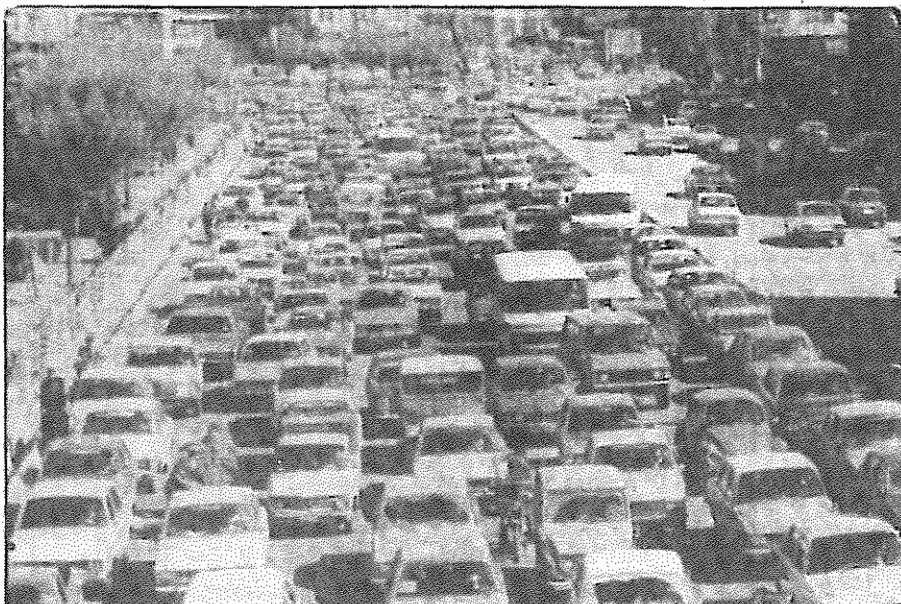
فساد، فحشا و اعتیاد بر بستر افزایش روز افزون بیکاری و انواع سرخوردگی های ناشی از فشار و خفقان در حکومت اسلامی، ابعاد گسترده تری به خود گرفته است. گستردگی فحشا و اعتیاد به حدی است که مقامات جمهوری اسلامی نیز دیگر نمی توانند آنرا پوشیده نگاه دارند.

در کرمان در یکی از جلسات اداری، وقتی یکی از مسئولین حکومتی آمار فاحشه ها و معتادین این شهر را ارائه داد، با اعتراض شدید یکی از مدیرکل های دولتی مواجه شد. مدیرکل مزبور به عنوان اعتراض فریاد زد: "برادر! در این وضعیت حساس نباید آمارهای واقعی به گوش مردم برسد!"

حریق بزرگ در اسکله بندرعباس

در اردیبهشت ماه سال جاری، یکی از نفت کش های متعلق به شرکت ملی نفت ایران ناحیه بندرعباس هنگامی که در اسکله بندرعباس مشغول تخلیه بار بنزین بود، به علت نشست بنزین در دریا دچار حریق شد. دامنه حریق دو کشتی دیگر و ۱۲ لنج متعلق به اهالی بندرعباس را در بر گرفت. هر ۳ کشتی که متعلق به ایران بودند و ۱۲ لنج بطور کامل سوختند. در جریان این حریق بزرگ ۵ نفر کشته و ۲۲ نفر به سختی مجروح شدند.

صاحبان لنج و مردمی که در این حادثه دار و ندار و عزیزان خود را از دست دادند به شرکت نفت بندرعباس مراجعه کردند و خواستار محاکمه و مجازات مسئولین امر که با سهل انگاری خود این خسارت بزرگ جانی و مالی را به مردم وارد آورده اند شدند.



یکی از حیا بانهای تهرآن در نیمروز

نظری به

"ناصر خسرو" تهران



تهران هر روز بزرگتر و بزرگتر و خیابانهایش شلوغ تر و شلوغ تر می شود. چهره شهر سال به سال تغییر می کند. بر خیابان های نقاط پر رفت و آمد دیگر نام خیابان نمی توان نهاد، بهتر است بگوئیم پاساژ یا یک فروشگاه طویل و یا بازار روزی که در درازای آن دست فروش های مختلف در تلاش معاشند نانانی به کف آرند و صبح را به شب و شب را به صبح بدوزند.

دور از میهن، تجسم تصاویری از اینجا و آنجا آن، غمی دلپذیر به همراه دارد. در همین راستا به درج گذارشی از خیابان قدیمی و معروف ناصر خسرو می پردازیم، خیابانی که بسیاری از ما از آن خاطره ها داریم. خیابان قدیمی ترین مدرسه تهران، مدرسه دارالفنون و خیابان مسافر خانه های ارزان قیمت که بسیاری از شهرستانی ها شب هایی را در آن گذرانده اند.

آنچه در زیر می خوانید بخشی از یک گزارش است که در یکی از روزنامه های عصر تهران منتشر شده است:

"خیابان ناصر خسرو تهران با سابقه ای چندین و چند ساله، امروز دیگر چنان از گذشته خود فاصله گرفته که بزحمت می توان قبول کرد که روزی این خیابان تنها پایگاه علوم آکادمیک کشور بوده است. اما مدرسه دارالفنون با آن معماری سنتی و زیبایش و تک و تک کتابفروشیهایی که رد پای گذر زمان بر درگاهشان مشهود است و در میان فروشگاههای امروزی وصله ناچوری بر تن خیابان هستند که پس از گذشت سالهای متمادی هنوز خود را سرپا نگهداشته اند تا گواهی بر این مدها باشند و جای شکی را در این مورد باقی نگذارند.

خیابان ناصر خسرو تهران معبری است که خیابان پانزده خرداد (بوذرجمهری) را به میدان توپخانه متصل می کند. این خیابان بوذرجمهری همان است که مدخل های ورود به بخشی از بازار تهران در آن واقع است. از میدان توپخانه که وارد خیابان ناصر خسرو می شویم سمت راست خیابان را تا فاصله ای تقریباً بیش از

صد متر، اداره مرکزی مخابرات اشغال کرده است. عرض معبری که برای عبور و مرور هابران وجود دارد چیزی حدود یک چهارم کل عرض خیابان است که بخشی از آن را هم صاحبان بساطهای متفاوت به اشغال دائمی خود در آورده اند. در میان کالاهایی که بوسیله بساطها عرضه می شود سیگار بنحو محسوسی از اکثریت برخوردار است و بساطهای انواع چاقو و قشچی، بساطهایی که بکار تعمیر و پرکردن فنکد مشغولند و بساطهای متفرقه پوشاک، ساعت و... در مرحله بعد قرار دارند. فروشگاههای این قسمت نیز بیشتر مغازه های لوازم الکتریکی هستند. البته مغازه های دیگر نیز در میان آنها به چشم می خورد. بلافاصله پس از تمام شدن ساختمان مخابرات و ظاهر شدن خیابان با عرض کامل، دو ردیف دکه پشت به پشت در وسط خیابان قرار دارد که ضمن آنکه خیابان را از وسط به دو نیم تقسیم می کند، هر نیمه آن را یک ردیف دکه در بر می گیرد. بیش از نود درصد دکه ها به فروشندگان انواع دوربین، فیلم و وسایل عکاسی اختصاص دارد و تک و تک دکه هایی دیده می شوند که کالایی دیگر عرضه می کنند. امتداد این دکه ها تقریباً نیمی از طول خیابان ناصر خسرو را در بر می گیرد.

وضعیت خیابان در این قسمتها بگونه ایست که مسئله عدم تردد اتومبیل ها در این قسمت احساس نمی شود. وجود توره های سیمی دور ساختمان مخابرات که بخشی از طول خیابان ناصر خسرو را از سمت توپخانه اشغال کرده اند و بلافاصله بدنبال آن قرار داشتن دکه های دو طرفه وسط خیابان که تقریباً تا نیمه طول خیابان ادامه یافته مجالی برای عبور و مرور اتومبیل ها در این قسمت باقی نمی گذارند.

از میدان توپخانه که وارد خیابان ناصر خسرو می شویم بعد از عبور از مخابرات و نرده های سیمی اطراف آن در سمت راست خیابان و در امتداد دکه هایی که در کار خرید و فروش لوازم عکاسی هستند جلوی یکی از کوچه ها ناگهان

از دحام عجیبی به چشم می خورد. اینجا دیگر خیابان وضعیت هادی ندارد. باکس های سیگار وینستون، مالبرو، لایتس، سالم، مور، سومرو و دیگر اقسام خارجی آن در کنار انواع سیگارهای داخلی نظیر تیر، زر، اشنو، هما و انواع دیگر آن بوسیله عده زیادی که شعاع نسبتاً وسیعی را قرق کرده اند عرضه می شود. هر جور آدمی در میان این عده پیدا می شود، اما بنظر میرسد غالب چهره ها شهرستانی باشند. وجه اشتراک همه اینست که بلااستثنا چند باکس سیگار داخلی یا خارجی در دست دارند و با صدای بلند آن را عرضه می کنند. خرید و فروشها بیشتر درونی است یعنی کمتر کسی پیدا میشود که سیگار بخرد و راهش را بگیرد و برود. کار اینان انگار آنست که این سیگارها را آنقدر دست بدست بگردانند و نرخ آن را بالا و پایین ببرند تا به قیمت مورد نظرشان برسند. به عبارت دیگر مکانیزم کار خیابان ناصر خسرو در مورد سیگار شبیه به یک بازار بورس است زیرا نرخهایی که در آنجا برای انواع سیگار تعیین می شود بلافاصله به بساطهای سیگار حاشیه خیابان و از آنجا به سایر خیابانها سرایت می کند. در میان دلان سیگار تک و توک زن و کودک هم دیده می شود. اما جوانان کم سن و سال در این مهرکه اکثریت دارند. منطقه ای که سیگار فروشان آن را در قرق خود دارند با ظرافت و تیزی بی خاصی انتخاب شده. کوچه پاساژ جوانمرد کوچه ای است با عرض تقریبی ده پانزده متر که در انتهای یک پاساژ چهار طبقه منتهی می شود. پاساژ جوانمرد از آن پاساژهایی است که معماری آن حداقل متعلق به چهل پنجاه سال

پیش است و هیچگونه نظم و سیاق خاصی در ترکیب دکانهای حجره مانند آن از نظر نوع کالایی که عرضه می کنند دیده نمی شود. موقعیت محلی پاساژ بگونه ای است که مشتری گذری کمتر هوس می کند بداخل آن برود این است که غالباً مغازه ها خالی از مشتری و کساد است. پاساژ جوانمرد یک پاساژ دو در است و ظرافت انتخاب این مکان از سوی دلان سیگار نیز تا حدود زیادی در همین نکته است. انتهای پاساژ به یک کوچه متصل می شود و پس از آن به خیابان باب همایون - یکی از خیابانهای موازی خیابان ناصر خسرو می رسد. در واقع کوچه ای که خیابان ناصر خسرو را به پاساژ متصل می کند با کوچه ای که از پاساژ به خیابان باب همایون می رسد با هم قرینه هستند. متصل بودن منطقه و خیابان پرفرت و آمد به علاوه مخفیگاههایی که از رهگذر معماری خاص پاساژ و کوچه های دو طرف آن ایجاد شده است، این امکان را به قاچاق فروشان سیگار می دهد که براحتی بتوانند در مقابل حضور نیروهای انتظامی در محل مانور کنند و کارتن ها و باکس های سیگارشان را از دسترس آنان دور سازند.

* * *

خیابان ناصر خسرو اگرچه بظاهر یکی از صدها خیابان تهران است اما این خیابان بهکس بقیه، در هجوم تقاضای ریز و درشت و رنگارنگ هابرانش سرسام نمی گیرد و عاجز نمی شود بلکه در اوج کمبودها و نبودهای همه گیر، رهگذران همیشگی خود را که بدنبال چند نوع کالای خاص هستند با دست پروانه میکند.

بمناسبت ۱۱ خرداد (اول زوئن) روز جهانی کودک

بقیه از صفحه آخر

و از هر هزار کودک، بیش از ۶۰ تن در همان سال نخست زندگی می‌میرند.

این وضعیت به کشورهای عقب‌مانده منحصر نیست؛ در آمریکا بیش از ۸۰۰ هزار کودک به کار سخت کشاورزی مشغولند؛ در انگلستان بیشتر از ۲۰ درصد قربانیان سوانح حین کار کشاورزی را کودکان زیر ۱۵ سال تشکیل می‌دهند؛ و...

در میهن بلاکشیده ما بویژه در جمهوری اسلامی، کودکان سرگذشت قم‌انگیزی داشته‌اند، ۸ سال جنگ ویرانگر ایران و عراق، کودکان و نوجوانان از قربانیان اصلی جبهه‌های مرگ و نیستی بودند. دختران خردسال مجبورند که دنیای زیبای کودکی‌شان را از روزنه تنگ چارتادهای زمخت و کدر نگاه کنند. فشار نظام آموزش و پرورش اسلامی بر کودکان در زمینه رعایت موازین فقهی و اسلامی یعنی رعایت خشکی و خشک‌اندیشی به جای انعطاف و تحرک، فضای آموزشی را برای کودکان دلمرده و پژمرده کرده است. نمونه فاجعه مرگ "آناهیتا شریفی" نوجوان ۱۳ ساله‌ای که به

خاطر قوانین خشن اسلامی در آموزش و پرورش دست به خودکشی زد، در ایران کم نیست.

فقر و تنگدستی آمار مرگ و میر کودکان را افزایش داده است. طبق آمار رسمی دوسال پیش، هر ساله بیش از ۲۸۰ هزار کودک از بین می‌رود. مرگ و میر کودکان زیر یک سال در ایران ۱۰/۴ درصد است. این رقم براساس همان آمار در روستاها به بیش از ۱۳ درصد می‌رسد. تردید نباید داشت که این ارقام در دو سال اخیر بیشتر شده است.

نشارکار همچنان دنیای زیبای کودکانه کودکان ایران را می‌پژمرد. هنوز کارگاههای کوچک حاشیه شهرها، کوره‌پزخانه‌ها، بلورسازی‌ها، سفالگری‌ها و... طعمه‌های خود را از میان کودکان و نوجوانان انتخاب می‌کنند، و...

در سالگرد روز جهانی کودک بار دیگر افکار همومی جهان را از آنچه بر کودکان ایران می‌گذرد با خبر سازیم.

صلح



اثر پیکاسو 4/11/68

تدفین

بیشکس به کودکان بیم

دانه‌های خشکش را

از او گرفتند

و بی‌هیج آیینی

به خاکش سپردند

شبی دیگر،

چون خسته و خوی کرده

بر آن مزار آمدند،

شکوفه‌های باز را دیدند

بر آن مزار و از آن دانه‌های خشک.

شکوفه‌ها را شامگامی خاکستری دربر گرفته بود

و مرغ شبی، شیرین و گرم

آشکارا

آوازی دل‌انگیز سر داده بود.

آنگاه، مرگ را دیگر

در آنجا حس نکردند

از فراسوی زمان و مکان نگریستند،

در رؤیایی روشن، لبخند زدند

و در خلسه‌یی از آنجا رفتند.

بر تولا برشت



کودکان اسیر ایرانی. امروز دیگر کودک نیستند. نوجوانانی هستند که دوران زیبایی کودکی‌شان قربانی اهداف شوم جنگ طلبان شده است.

دزدی، مواد مخدر، فحشا

کودکان برزیلی در مبارزه بخاطر بقا

بمناسبت اول ژوئن روز جهانی کودک، خلاصه مطلبی در مورد کودکان برزیلی را از روزنامه "دی تسایت" برگزیده ایم:

...برخی از مردم برزیل کشور خود را "بلژیک-هندوستان" می نامند. یعنی ترکیبی از بلژیک و هندوستان. تضادی همیق میان هتل لوکس "تروپیکال" و محله فقرزده "کاکائوپیرترا" از یک سو برزیلیهای موفق که از درآمدی مطمئن برخوردارند. آنها از اینکه برزیل به هفتمین کشور جهان سرمایه داری مبدل شده است احساس فروری می کنند. آنها را می شود روشن زده در سواحل کویا کابانادر حوالی ریودوژانیرو و آراسته و اتوکشیده در ادارات خنک سائو پولو پیدا کرد. تعداد آنها بیش از ۱۰ میلیون نیست. درست به اندازه بلژیکیهای مقیم بلژیک. هندوستان شامل ۱۳۰ میلیون

انسانیت که مابقی جمعیت برزیل را تشکیل می دهند. برزیلیهای بی نوا، و ۴۰ میلیون از آنها کودکانی اند که در خیابان زندگی می کنند و اغلب نیز همانجا می میرند. نام رسمی آنها کودکان رانده شده یا خردسالان محتاج است. اما این عبارات حداکثر فقط به درد اداره آمار و گزارشات دولتی می خورد. در پشت این عبارات ارتشی از بی سوادان کوچک، دزدان، فواحش و جانپان پنهان است. دنیایی از کودکانی که از هم اکنون بالغ اند و تنها مانده اند. تریاک این بچهها "چسب" است. این ماده قادر به ایجاد خلستگی واقعی نیست اما کودکان خیابانی برزیلی وسیعا از آن استفاده می کنند. استفاده از چسب در طول دو سال منجر به از بین رفتن مجاری تنفس و سلولهای مغزی می شود.

جوئر که هشت سال دارد و چسب استنشاق می کند می گوید "وقتی بزرگ شدم یک خونه می خرم و با مادرم در آن زندگی می کنم" او تازه سه ماه است که در خیابان به سر می برد و با شغل های موقت و دزدیهای کوچک گذران می کند. جوئر از خانه فرار کرده است. اگر دقیقتر گفته باشیم، یک روز از خیابان دیگر به خانه بازنگشت. از وقتی که مادر او با یک مرد دیگر زندگی می کند

زندگی برای پنج بچه مانده از "زدواج اول" به جهنم تبدیل شده است. پدر خوانده او بیچاره است و هنگامی که شروبها با هرق شکر بدمستی می کند در خانه کسی از دست او امان ندارد.

این مرد یک شب خواهر دوازده ساله جوئر را تصاحب کرد. این کار در میان بی نوایان ساکن خانه های یک اتاقه و بخش فقیرنشین شهرهای بزرگ برزیل امری معمول به حساب می آید. نه فقط پدر خوانده ها بلکه حتی پدرهای خونی نیز نزد دختران خویش شب اول را حق خود می دانند. خواهر جوئر روز بعد فرار کرد. جوئر در حینی که چسب می کشد می گوید "نکر می کنم به جنوب رفته باشد" جوئر نیز مایل است به جنوب برود و در آنجا پول هنگفتی دست و پا کند.

او نمی گوید با این همه پول چه می خواهد بکند اما مثل بسیاری از بچه های دیگر جوئر نیز به فکر بازگشتی درخشان به خانه است. آنگاه لازم نیست مادرش با این مرد جدید زندگی کند و خواهران جوانتر جوئر می توانند به مدرسه روند. بچه هایی نظیر جوئر روحیه مهاجرین را دارند. آنها در سفر خویش در دنیای جدید، تا مدتهای مدید، میهن کهنه خود را با خود به دوش می کشند. رویاهای خانه خود را، که در آن همه چیز دوباره خوب خواهد شد و آنها به عنوان مردان کامل به آن باز خواهند گشت، همیشه با خود دارند.

اما این دنیای جدید همواره آنها را می خورد. آنگاه بهتر است رویای بازگشت فراموش شود. جوئر در حینی که می خندد می گوید "نیکار دویدائو" و قوطی چسب را جلو بینی خود می گیرد. "نیکار دویدائو" یعنی: اشباح شدن با مخدر تا اجباری به احساس و اندیشه نباشد. "نیکار دویدائو" داروی روح مریض است.

"نوریوال" مددکار اجتماعیست. او در حاشیه محله کاکائوپیرترا با چهل کودک زندگی می کند. او این کودکان را از خیابان جدا کرده و اکنون می خواهد اخلاقتان را تغییر دهد.

اغلب آنها احساس گناه همیقی دارند زیرا برای خوردن مجبور به دزدی اند. به نظر نوریوال: "طبیعتا ما با امکانات محدود خود قادر به حل مسئله کودکان نیستیم. اقدامات ما فقط به تعداد اندکی کمک می کند که از خیابان دور شوند، خواندن و نوشتن یاد بگیرند و شاید شغلی مناسب بیابند و آنها را به ۴۰ یا ۵۰ نفر برگزیدگان از میان انبوه میلیونها انسان بی آینده تبدیل کند. با این حال ما امیدواریم در این کودکان آگاهی نوینی ایجاد کنیم و به این ترتیب آنها را به ابزار انقلاب اجتماعی مبدل سازیم."

نوریوال معتقد است که وجود انبوه کودکان خیابانی عاملی ذهنیست که باید به فرو ریختن جامعه منجر شود. او در کودکان لومپن پرولتاریایی می بیند که بر اثر تربیت و روشنگری قادر است راه انقلاب را بیابد.

کودکان و پلیس یگدیگر را درک می کنند! آنها که زندانی پایین ترین لایه های جهانی این

چنین تنگ هستند، نفرت طرف مقابل را به عنوان یک پدیده فطری تلقی می کنند. چند سال پیش یک اکیپ پلیس پنجاه کودک مقیم یک بازداشتگاه محلو از کودک را در اتوبوسی انبار کرد و آنها را بر روی یک دره همیق برد. مأموران پلیس سپس به زندانیان دستور دادند که خود را به بیرون پرت کنند. آنها می کردند همانجا با شلیک گلوله ای به مغزشان به قتل رسیدند. کودکان کاکائوپیرترا در این واقعه هیچ چیز غیر طبیعی نمی بینند.

ده در صد کودکان خیابانی دختر هستند. آنها غالباً به فحشا اشتغال دارند. این امر دختران را به کودکان خیابانی درجه دوم تبدیل می کند که بطور همزمان از چهارچوب اخلاقی مردم و مردسالاری پسران خیابانی به یکسان رنج می برند. آنها جسم خود را می فروشند تا به آن غذا برسانند. برای ماریس بازاری کساد است. او که دختری چهارده ساله است در بقیه در صفحه ۱۰



تشدید بحران سیاسی در چین

بقیه از صفحه اول

بیشمار گاردهای سرخ این میدان را در بر گرفت.

این محل پس از مرگ چوئن لای نخست وزیر شاهد نمایشات یادبود بزرگی برای وی در ماههای مارس و آوریل ۱۹۷۶ بود. در ۵ آوریل ۱۹۷۶ در اینجا زدوخوردهایی تظاهرکنندگان و نیروهای امنیتی رخ داد که به برکناری یک معاون نخست وزیر طرفدار اصلاحات منجر شد. این شخص کسی جز تنگ شیائوپینگ نبود که دو سال بعد مجدداً به بالاترین مسئولیت ها گمارده شد.

تنگ شیائوپینگ که برخلاف چوئن لای زبانی تلخ داشت، در جریان گروهبندیهای درونی و منازعات فراکسیونی به دفعات برکنار شده، تعهید گشته و به اعتراضات و خود انشاکریهای ناخوشایند وادار شده است. او در آخرین مرحله انقلاب فرهنگی در دهه دوم سالهای ۷۰ به طرفداری از سرمایه داری متهم شد و به وسیله همسر مائو، چیانگ کوینگ مجدداً از مقام خود برکنار شد. این سومین باری بود که او سقوط می کرد. تنگ چند سال بعد به هنگام دیدار با مملوت اشمیت صدر اعظم آلمان فدرال با طنز گفت "نکر می کنم این دیگر آخرین بار بوده باشد."

اما کسی که امروز خبرهای یکن را دنبال می کند باید احتمال دهد که چهارمین و آخرین سقوط تنگ نیز در شرف وقوع باشد. زیرا خیزش دانشجویان و دیگر مردم پایتخت او و نخست وزیرلی پنگ را هدف قرار داده است. در این راه بخشهایی از هیئت سیاسی و کمیته مرکزی نیز در جبهه دانشجویان قرار دارند.

تنگ در سال ۱۹۲۴ در سن ۲۰ سالگی وارد حزب کمونیست چین شد. او یکی از پیشکسوتان مارش طولانی سالهای ۳۰ است. مائوتسه تونگ هرگز به این مرد زیرک اعتماد کامل نداشت. اما کردانی او همواره کار ساز بود. تنگ شخصی بود که می توانست به جای مباحث تئوریک پیرامون اهداف قایبی و ایدئولوژیک، مشکلات لحظه را در عمل حل کند و در همل نیز در طول این سالها با

اتکا، به کردانی خود مشکلات بسیاری راحل کرد. اصلاحات اقتصادی که از سال ۱۹۷۹ آغاز شد همدتادستاورداوست.

این اصلاحات بطور نسبی منجر به مدرنیزه شدن کشاورزی شد. دستمزدهای واقعی بسیاری از دهقانان به طور محسوسی افزایش یافت. در همین حال تامین سبزی، میوه و گوشت برای توده های شهری بهبود پیدا کرد. بر اثر این اصلاحات ابتکار کشاورزان که ۸۰ درصد جمعیت کشور چین را تشکیل می دهند بارور گردید. در اواسط سال های ۸۰ اصلاحات در صنعت و کارخانجات نیز آغاز شد. متعاقباً مناطق اقتصادی لیبرالیزه شده ای در سواحل چین و بویژه در بنادری که در آنها امکان استفاده از تجارب، تواناییها و روابط فراملی دهها هزار نفر از وابستگان کارفرمایان سابق موجود بود، ایجاد گردید.

تنگ شیائوپینگ تا همین چندی پیش رهبری بسیار مورد احترام بود که هیچکس بر هنر رهبری او شک نداشت. او در طول یک دهه در مقایسه با ادوار گذشته تاریخ معاصر چین برای مردم خود بیش از هر شخص دیگری به آفرینندگی پرداخت.

اما امروز یکی از خواسته های همده جنبش اخیر برکناری او از قدرت است. اکنون یک هفته پس از اعلام حالت فوق العاده همچنان تظاهرات خیابانی و اعتراضات، ادامه دارد. در سالهای اخیر بارها از دموکراسی به طور کلی صحبت شده بود. این خواسته ها اکنون شکلهای مشخص تری بخود گرفته است و آزادی مطبوعات و اجتماعات مطالبه می شود. گسترش وسیع دموکراسی در چین به نیاز فوری و خواست آشکار و سیهی از مردم تبدیل شده است. یکی دیگر از مرصه های بروز نارضیتی و اعتراضات اخیر، بد شرایط زندگی روزشنگران مربوط است. به عنوان نمونه یک استاد دانشگاه به طور معمول از یک کارگرم تخصص و یک معلم از یک کارگر ساده دستمزد کمتری می گیرد. بستنی فروشی که صبح ها از کارخانه بستنی سازی کالای خود را می خرد تا در خیابان بفروشد و



دانشجویان چینی در حال باز نویسی روزنامه های دست نویس دیواری

به این ترتیب "تجارت ماموران دولت" پدید آمد. تعداد کثیری از این ماموران متوجه شدند که به علت وقفه در ارائه مواد خام، کارخانه های بسیاری از کار باز می مانند. این مواد که اغلب نایابند به وسیله دولت قیمت گذاری شده اند. تحت چنین شرایطی "تجارت ماموران دولت" بوجود آمد. آنها به سرعت شرکت های خصوصی ایجاد کردند و با اتکا به روابط خود مواد خام را خریداری کردند تا آنها را با سودهای کلان به فروش رسانند. به این ترتیب این ماموران بدون انجام هیچ کاری سرمایه های بزرگی اندوختند. مردم یکن و سایر شهرها از این نوع سوء استفاده ها خشمگین هستند.

اعتراضات اخیر بلاواسطه پس از مرگ هویائو بانگ دبیر اول سابق حزب کمونیست چین آغاز شد. دانشجویان بیش از همه با چگونگی انجام مراسم یادبود وی توسط مقامات رسمی موافق نبودند به عقیده آنها به شایستگیهای هویائو بانگ به اندازه کافی ارج گذارده نشد. در میتینگهای توده ای و روزنامه های دیواری از او به عنوان یک رهبر حزبی متواضع که برای استقرار دموکراسی در چین تلاش می کرد و به همین دلیل از مقام خود برکنار شد یاد گردید. او پس از برکناری در ژانویه ۱۹۸۷ متهم به گرایشات بورژوا-لیبرالی شده بود.

برابر یک پروفیسور دانشگاه پکن درآمد دارد. علت دیگر برخی از نابسامانیهایی که اکنون در اعتراضات میلیونی افشا میشوند بروز بفرنجیهای معینی در روند اصلاحاتیست که توسط تنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۷۹ آغاز شد. در آن زمان دهقانان زمینهای خود را پس گرفتند و کمونهای خلقی ملغی شد. این امر در سالهای نخست موفقیت های بزرگی به ارمغان آورد. اقتصاد خصوصی به طور آشکاری نیروی بالقوه عظیمی را آزاد کرد. تولید در ابعادی قابل توجه و تا آن هنگام بی سابقه افزایش یافت. این روند تا سال های ۸۵ - ۱۹۸۴ تداوم پیدا کرد. در این هنگام اصلاحات در صنایع شهری نیز آغاز شد. در همین حال افزایش تولید در روستا با رکود مواجه گردید. کار فردی دهقان دیگر قادر به افزایش بارآوری نبود. زیرا ابزار این افزایش شدن اقتصاد کشاورزی موجود نبود. رشوه خواری و فساد به علت دوگانگی سیستم اقتصادی و قیمت گذاری رشد کرد. بر اثر اصلاحات اقتصادی، اقتصاد با برنامه که تا سال ۱۹۴۹ حاکم بود با عوامل اقتصاد بازار تکمیل شد. این دو گانگی موجب مشکلات و بفرنجیهایی گشت که تاکنون لاینحل مانده است.

تشدید بحران سیاسی در چین

بقیه از صفحه ۹

روندهای دموکراتیک و شرکت بی‌واسطه یا با واسطه برخی مقامات دولتی و حزبی در فساد و رشوه‌خواری مورد حمله قرار گرفته است. اعتراضات تضادها و اختلاف نظرهای موجود در حزب در زمینه نحوه برخورد با وضعیت کنونی را دامن زده است. بر اساس علائم موجود تمایل مسالمت‌جویانه زائو زیانگ دبیر کل حزب با مواضع سرسختانه تنگ شیائو پینگ رئیس کمیسیون نظامی و لی پینگ نخست‌وزیر در تقابل قرار گرفته است. از جریان پیشرفت رویدادها نیز اخبار گوناگونی ارائه شده است. از سویی این شایعه وجود دارد که زائو زیانگ در آستانه برکناری قرار دارد و هم‌اکنون در خانه خود زندانی شده است. از سوی دیگر عقب‌نشینی نیروهای نظامی از یکن به مثابه تضعیف موقعیت تنگ ولی که آشکارا به پایان دادن قهری تأرامینی کنونی فرمان داده بودند، قلمداد می‌شود.

اکنون بیش از یک ماه از آغاز اعتراضات دانشجویی سپری شده است. دانشجویان در نظر دارند مبارزه خود برای آزادیهای دموکراتیک را بدون توجه به حالت فوق‌العاده ادامه دهند و با گسترش بیشتری به پیش‌برند. از سوی دیگر



دولت از هنگام آغاز ناآرامیهای اخیر از خود ناتوانی نشان داده است. دولت بخاطر ارتکاب اشتباهاتی در پیشبرد اصلاحات، و عدم مشارکت در پشتیبانی از

انتخاب میخائیل گارباچف به عنوان صدر شورای عالی

پشتوانه نیرومند پرستروویکاست. با وجودی که پیرامون آنتنات داخلی اتحاد شوروی دشواری‌های زیادی در سال‌های اخیر پدید آمده

اولین اجلاس مجلس نمایندگان خلق (پارلمان اتحاد شوروی) روز پنج‌شنبه ۲۵ ماه مه برگزار شد. این اجلاس که در آن ۲۱۵۵ نفر از ۲۲۴۹ نفر نماینده حضور داشتند، انتخاب صدر شورای عالی اتحاد شوروی (جمهوری کشور) و بررسی کار دولت نیکولای ریشکوف را در دستور کار قرار داده بود. پس از یک دقیقه سکوت به خاطر ۲۰ نفر کشته شدگان در درگیری‌های جمهوری شوروی گرجستان، اجلاس کار خود را آغاز کرد. از روند کامل این نشست هنوز گزارشی کاملی در دست نیست به جز این که مهم‌ترین و محوری‌ترین محوبه آن انتخاب میخائیل گارباچف به عنوان صدر شورای عالی اتحاد شوروی، (بالاترین ارگان تصمیم‌گیری کشور) بود. پلنوم فوق‌العاده کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که روز دوشنبه ۲۲ ماه مه برگزار شد، میخائیل گارباچف را به عنوان کاندیدای حزب برای این پست پیشنهاد کرده بود. چنگیز آیتماتوف، نویسنده نامدار شوروی این پیشنهاد را رسماً به مجلس نمایندگان خلق ارایه داد. نماینده‌ای از سوردولوسک بوریس یلتسین را به عنوان کاندیدا پیشنهاد کرد. این پیشنهاد رای نیاورد. میخائیل گارباچف با کسب بیش از ۹۵ درصد آرا به سمت صدر شورای عالی اتحاد شوروی انتخاب شد.

آندره ساخاروف، نماینده از مسکو و اکادمی علوم اتحاد شوروی در سخنرانی خود گفت: «به جای گارباچف آلترناتیوی وجود ندارد.» او تأکید کرد: «من پشتیبان گارباچف هستم. ولی در این اجلاس باید پیرامون فعالیت او بحث کامل صورت گیرد.»

روند اجلاس مجلس نمایندگان خلق به طور مستقیم از تلویزیون اتحاد شوروی پخش می‌شد و توجه وسیع مردم را به خود جلب کرد. روزنامه پراودا به درستی نوشت: «مردم به منافع خویش آگاه‌ترند و فعال‌تر شده‌اند.» سیر انتخابات مجلس و پی‌آمدهای آن نشان می‌دهد که روحیه بی‌تفاوتی در مردم روبه کاهش است و این

و در برخی هرصه‌ها از جمله تامین مایحتاج روزمره مردم همچنان که پیش‌بینی می‌شد از گذشته موقتاً بدتر شده است، اما روندها حاکی از حمایت گسترده و همه‌جانبه مردم از سیاست‌نوسازی است که توسط حزب کمونیست اتحاد شوروی طراحی و اجرا می‌شود. مردم سیاست‌ماند حاکم در گذشته را با حمایت وسیع از پرستروویکا قاطعانه رد کرده‌اند.

بوریس یلتسین که او نیز به‌عنوان کاندیدا معرفی شده بود درگردهمایی که روز یکشنبه ۲۱ مه در مجتمع ورزشی لوشیگی در مسکو برگزار شد، در برابر ۳۰ هزار نفر شرکت‌کننده با وجود طرح انتقادهای به جا به وضع مردم در کشور، خود هیچ‌گونه راه حل مشخصی ارایه نکرد. روزنامه پراودا پس از برگزاری اجلاس مجلس نمایندگان یلتسین را به خاطر طرح پیشنهادهایی به نام گروهی از نمایندگان مسکو و تلاش برای ارایه آنها به عنوان «حقیقت مطلق» مورد انتقاد قرار داد.

انتخاب میخائیل گارباچف به عنوان صدر شورای عالی اتحاد شوروی نشان‌گر تحکیم هر چه بیشتر سیاست‌نوسازی و پرستروویکادر هرصه‌های وسیع زندگی اجتماعی در اتحاد شوروی است.

* * *

کودکان برزلی در مبارزه بخاطر بقا

بقیه از صفحه ۸

مارسیا و میریوان امر به گونه‌ای دیگر است در روستا تقریباً چیزی برای خوردن موجود نیست اما لائل پیوند خانوادگی موجود است. در شهر همه چیز از هم می‌پاشد؛ خانواده، مستی، امید. در شهر به هنگامی که والدین دیگر قادر به تغذیه فرزندان خود نباشند آنها را به خیابان می‌فرستند. این برای پسران به معنای نبرد در راه بقا و تمت شرایطی احراز موفقیت به عنوان یک جانی است و برای دختران فقط به معنای فحشا است و مرگی زودرس.

«آناواسکونسوس» که وکیل مدافع است می‌گوید: «یکبار از یکی از این دخترها که ۱۳ ساله بود پرسیدم از زندگی چه انتظاری داری. او گفت مرگ را زیرا آدمهایی مثل من به ۲۰ سالگی نمی‌رسند و متأسفانه این دختر کوچک حق داشت. این دختران مجبورند بمیرند. این قانون جامعه ماست که از سویی آنها را به خیابان می‌راند و از سوی دیگر این کار را بر آنان نمی‌بخشد. آنها را فاسد و طاهون زده محسوب می‌کنند و وقتی که می‌میرند در گودالی پرت می‌کنند و با سرهت برویشان خاک می‌ریزند.»

محلی در مرکز شهر ساحلی رسیف منتظر مشتری است. او حمله است اما نمی‌داند از چه موقعی و از چه کسی. اگر او موفق شود دوران حاملگی را بگذراند بزودی به مانند دوست خود میریوان (۱۵ ساله در همین جا خواهد نشست. میریوان بایک دست مشغول ساکت کردن بچه سه ماهه خود می‌باشد و با دست دیگر کاسه چسب را زیر دماغ خود گرفته است.

تعداد زیادی از دختران شهر رسیف از روستا آمده‌اند. اغلب آنها از چور و ستم مالکان بزرگ که موفق به ممانعت از هرگونه اصلاحات ارضی شده‌اند به شهرافرار کرده‌اند. حدود یک دوم زمینهای کشاورزی کشور عظیم برزیل متعلق به یک درصد مالک بزرگ است در حالی که ۷ میلیون دهقان خرده پا بیهوده انتظار قطعه‌ای زمین را می‌کشند. انتظاری که از انتظار خسته شده‌اند به شهرها روی می‌آورند. اما در آنجا کاری برایشان نیست. بنابراین انتخاب میان روستا و شهر برای بی‌نویان انتخابی میان بد و بدتر است. اما برای دختران جوانی نظیر

اجلاس سران کشورهای عرب در

کازابلانکا

پس از ده سال، اجلاس سران جامعه عرب با شرکت تقریباً تمام کشورهای عضو در کازابلانکا صورت یافت. مصر پس از ده سال در این اجلاس شرکت کرد. مصر در آن زمان به خاطر مذاکره با اسرائیل پیرامون طرح کمپ دیوید از شرکت در اجلاس سران جامعه عرب محروم شده بود. شرکت حسنی مبارک در این اجلاس از سوی تلویزی، رئیس جامعه عرب به عنوان "رویداد تاریخی" ارزیابی شد. هر چند قذافی رهبر لیبی روی مساهدی نسبت به این امر نشان نداد.

مسائل مورد بحث در اجلاس سران کشورهای عرب قیام مردم در سرزمین های اشغالی، جنگ داخلی در لبنان و توقف مذاکرات صلح میان ایران و عراق بوده است. هر چند هنوز اصطلاح دقیق از روند این اجلاس در دست نیست ولی به نظر می رسد توافق روی برخی مسائل امری بسیار دشوار باشد. که از آن جمله مساله لبنان است. در لبنان از یک سو کشتی های مصری و عراقی به ژنرال هون کمک می رسانند، از سوی دیگر سوریه نیروهای میهن پرست درگیر با هون را تقویت می کند. در این میان اردن پیشنهاد تشکیل ارتش مشترک عربی و اعزام آن به لبنان برای برقراری صلح را طرح کرده است.

سنگ اندازی هندوراس در راه برقراری صلح در نیکاراگوئه

خاورپرز دو کوئیار، دبیرکل سازمان ملل متحد، هندوراس را متهم به سنگ اندازی در راه برقراری صلح در نیکاراگوئه و کاهش تشنج در آمریکای لاتین کرد. او طی نامه ای به وزیران امور خارجه پنج کشور آمریکای مرکزی (کاستاریکا، گواتمالا، هندوراس، کستاریکا و نیکاراگوئه) بیان کرد که هندوراس موانع متعددی برای اعزام ناظران صلح سازمان ملل متحد به هندوراس پدید آورده است. وزیران امور خارجه این پنج کشور در جلسه ای در اوایل ماه مه سال جاری بر طرحی مبنی بر پراکنده ساختن باندهای ضد انقلابی نیکاراگوئه، که در هندوراس مستقر هستند، توافق کرده بودند. بر اساس این طرح نظارت این امر برعهده سازمان ملل متحد قرار گرفته بود.

آزادی کار او الیو از رهبران انقلاب پرتغال از زندان

اوتو ساریاودو کار او الیو، از رهبران انقلاب پرتغال در سال ۱۹۷۴، به طور موقت از زندان آزاد می شود. این امر توسط دادگاه عالی انقلاب اعلام شد. او تلو که انسر ارتش بود، متهم به تاسیس گروه "نیروهای خلق ۲۵ آوریل" شده است. این گروه در اوایل سال ۸۰ بمب گذاری ها و ترورهای زیادی در پرتغال انجام داد. او تلو این امر را همواره رد کرده است. او تلو یکی از طراحان سرنگونی مسالمت آمیز رژیم فاشیستی سالازار کایتانو در سال ۱۹۷۴ بود.

توافق سندیکای کارگری ترکیه

و دولت

حرکت های اعتراضی کارگری در ترکیه سرانجام دولت را به مذاکره با سندیکای تورکایش واداشت. پس از این مذاکرات حقوق کارگران ۱۴۲ درصد افزایش یافت. کارگران در ابتدا خواهان افزایش ۳۰۰ درصد حقوق خود بودند.

ممنوع ساختن اعتصاب های کارگری در ترکیه توسط دولت، کارگران را وادار به کاربرد شیوه های دیگری ساخت. آنها به طور یکپارچه هر روز صبح یا پای برهنه و صورت نتراشیده به سرکار می رفتند و یا خود را بیمار اعلام می کردند. در شهر دیاربکر ۱۰۰۰ کارگردریک روز به دادگاه خانواده رفتند و درخواست طلاق دادند به این عنوان که "با حقوق بخورو نمیر زندگی مشترک امکان پذیر نیست".

عدم موفقیت اپوزیسیون پاناما

اپوزیسیون دست راستی پاناما که وسیعاً از جانب آمریکا حمایت می شود، هفته گذشته مردم را به اعتصاب عمومی فراخواند. همه خبرگزاری ها گزارش دادند که هیچ کس به این فراخوان اهمیت نداد و پاناماسیتی تصویری کاملاً هادی داشته است. سندیکاهای کارگری پاناما با اعلام حمایت مجدد از دولت علیه سیاست تجاوزکارانه آمریکا اعتراض کردند. حتی بانکها نیز در کنار تولیدکنندگان خرد و کارکنان وسایل نقلیه عمومی شرکت در اعتصاب را رد کردند.

بازگشت مهاجران افغانی

سازمان ملل متحد گزارش داد که مهاجران افغانی که طی ده سال جنگ کشور را ترک کرده بودند، اکنون پس از پایان یافتن ماه رمضان گروه گروه به کشور باز می گردند. در این گزارش تعداد آنها به ۱۰۰ خانواده در روز تخمین زده می شود. آنها روزانه از طریق ایالت های جنوبی افغانستان وارد کشور می شوند. اکثر آنها در ایالت های هیرمند، قندهار و زابل مستقر شده و می خواهند به کار روی زمین های رها شده بپردازند.



منگیستو هایل ماریام :

خلق باید تصمیم بگیرد

منگیستو هایل ماریام روز شنبه ۲۰ ماه مه در گردهمایی با شرکت بیش از یک میلیون نفر از مردم آدیس آبابا سخن گفت. او گفت: رهبری حزب و دولت به این امر آگاه است که برای قلبه بردشواری های زیاد موجود در هر صه اقتصادی باید تلاش زیادی به کار گیرد. او گفت: دولت آماده است درگیری های نظامی با جدایی طلبان اریتره و تیگره را که ۲۸ سال است ادامه دارد، با روش های مسالمت آمیز خاتمه دهد. این امر با استقبال شدید مردم روبرو شد. هایل ماریام ژانرال های کودتایی را که دو هفته پیش دست به کودتای نافرجامی زدند، متهم ساخت که در نبردها با نیروهای جدایی طلب مانع از پیروزی نیروهای دولتی می شدند و تلاش در طولانی تر کردن جنگ و فرسایشی ساختن آن داشته اند. او گفت: "من می پرسم آیا خشم آنها علیه من بود، یا علیه نظام مردمی؟ خلق باید پیرامون آن تصمیم بگیرد؟"

بحث پیرامون سیاست فره لیمو

در جامعه موزامبیک

این روزها بحث فعالی پیرامون تزه های حزب فره لیمو برای کنگره پنجم حزب که در اوایل ماه ژوئیه برگزار می شود، جریان دارد. دو روزنامه بزرگ کشور، "نوتیسیاس" و "دیاریو دو موزامبیک" هر روز پیرامون روند بحث ها گزارش می دهند.

۵۰۰ سال سلطه استعمار و خشک سالی در سال های اخیر از یک سو و ترور باند ضد انقلابی RNM از سوی دیگر دشواری های اقتصادی بزرگی را در برابر مردم و دولت قرار داده اند. پس از سال ها در جازدن و عقب ماندگی، اکنون برنامه اقتصادی که در ژانویه ۱۹۸۷ به اجرا درآمد، اولین موفقیت های خود را نشان می دهد. در سال ۱۹۸۸ رشد اقتصادی کشور در هر صه تولید و خدمات ۴٫۵ درصد بود. از سوی دیگر افزایش درآمدها قادر به هم پایی با افزایش قیمت ها به ویژه در مواد غذایی نشده است.

دولت موزامبیک بر این امر آگاه است که تقییر اساسی در وضع اقتصادی کشور زمانی ریشه ای خواهد بود که ترور باند RNM پایان یابد. از این رو فره لیمو تلاش های زیادی را جهت قطع کمک های خارجی به این گروه آغاز کرده است. از جمله این تلاش ها برقراری ارتباط با دولت آفریقای جنوبی است. هم زمان با گسترش عملیات نظامی علیه این باند، دولت هغو عمومی وسیعی برای زندانیان عضو این گروه قابل شده است. دولت امیدوار است با پیش برد این سیاست فعالیت های این باند جنایتکار را ریشه کن سازد.

سیاست های نوین حزب حمایت وسیع مردم را جلب کرده است. کمک های مالی به حزب نشان گر این امر است. این کمک ها نه تنها از سوی کارگران و دهقانان، بلکه از سوی روشنفکران، تولیدکنندگان کوچک، بازرگانان و محافظان مذهبی نیز صورت می گیرد.

انتخاب میخائیل گارباچف به عنوان

صدر شورای عالی

در صفحه ۱۰



خمینی تحت عمل جراحی قرار گرفت

در آن شرکت داشت به نجف آباد آمده‌اند و موسسات دولتی و خصوصی و بازار نجف آباد جهت شرکت در این مراسم تعطیل شده است. بسیاری از صاحبان مغازه‌های اصفهان و دیگر شهرهای اطراف نیز با تعطیل کار و کسب خود برای شرکت در تشییع جنازه به نجف آباد رفته‌اند. شرکت گسترده در تشییع جنازه پدر منتظری به عنوان تقابل با خمینی و دهن کجی به وی تلقی شده است.

تاکید رسانه‌های گروهی بر روی انجام مراسم سپاسگزاری و دعا برای سلامتی خمینی در دو شهر قم و نجف آباد به امر کنار گذاشتن منتظری توسط خمینی و وجود مخالفت‌های گسترده در محافل مذهبی این دو شهر مربوط میشود. خود منتظری تاکنون برخلاف گذشته هیچگونه واکنشی نسبت به بیماری خمینی نشان نداده است. "کروبی در واکنش به شرکت مردم شهرهای نجف آباد و اصفهان و دیگر شهرهای اطراف در تشییع جنازه پدر منتظری اعلام کرد شیخ هلی از یاران عادی خمینی و مروج افکار و ایده‌های وی بوده است. کروبی به نوعی تلویحاً بیان داشت که پدر منتظری بر اثر شنیدن کنار گذاشته شدن پسرش و مواضع او در مخالفت با برخی سیاستهای خمینی "دق" کرده است.

روز سه‌شنبه اعلام شد که خمینی به علت ناراحتی در دستگاه گوارش و دیده شدن خون در مجاری ادرار پس از انتقال به بیمارستان قلب تهران مورد عمل جراحی قرار گرفته است. در همین ارتباط وابستگان دستگاه خلافت خمینی هر یک بعد از ارائه گزارشی از چگونگی عمل جراحی و وضعیت جسمانی او امت حزب الله را جهت سلامتی و بهبودی عاجل حال خمینی، به مراسم سپاسگزاری و نیایش دعوت کردند. متعاقباً در شهرهای مختلف و توسط هر یک از وابستگان حکومتی مراسمی بهمین منظور برپا شد.

رسانه‌های گروهی با تاکید خاصی از برگزاری مراسم در دو شهر قم و نجف آباد نام بردند. در قم این مراسم به دعوت "شورای حوزه هلمیه قم" برگزار گردید. در نجف آباد، آخوند ایزدی امام جمعه این شهر اعلام کرد که مراسمی جهت سپاسگزاری و دعا برگزار میشود و این در حالی بود که منتظری برای انجام مراسم تشییع جنازه پدرش شیخ هلی منتظری از قم به نجف آباد سفر کرده و در این شهر بسر می‌برد. گفته می‌شود هزاران نفر از روستاهای اطراف شهرستان نجف آباد برای شرکت در مراسم تشییع جنازه که خود منتظری نیز

برای اشتراك نثريات "كار" و "اكثريت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۱۳ مارك	۱۱ مارك	نشریه "كار"	<input type="checkbox"/> يك ساله
۲۴ =	۲۱ =		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه ماهه
۳۰ مارك	۲۷ مارك	نشریه "اكثريت"	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۵۸ =	۵۲ =		<input type="checkbox"/> يك ساله
۱۱۵ =	۱۰۲ =		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

بمناسبت ۱۱ خرداد (اول ژوئن)

روز جهانی کودک

با این همه هنوز بخش بزرگی از مردم جهان از دستاوردهای تمدن بشری در زمینه حقوق کودک محرومند. وضعیت کودکان در کشورهای فقیر، فاجعه آمیز است. هنوز میلیون ها کودک در جهان از بی‌فدایی و بی‌دارویی می‌میرند. هنوز بخش وسیعی از کودکان در کشورهای سرمایه‌داری مجبورند به جای قوطه‌ور شدن در پر نیان بی‌کران اندیشه‌ها و تخیلات کودکانه، در دنیای زحمت کار و زحمت به کار سخت و توان فرسا بپردازند. در آمریکای جنوبی بیش از ۳۵ میلیون کودک در خیابان‌ها زندگی می‌کنند

بقیه در صفحه ۷

۹ سال پس از ابتکار فدراسیون بین‌المللی زنان مبنی بر اعلام "اول ژوئن" به عنوان روز جهانی کودک، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۹ با انتشار اعلامیه حقوق کودک اول ژوئن را به عنوان روز کودک در سراسر جهان، رسمیت بخشید.

امروز تمدن بشری برای کودک منمومی مستقل قائل است. کودک، نه به عنوان ضمیمه‌ای بر پدر و مادر، بلکه به عنوان انسانی مطرح است که حقوق اجتماعی خاص خود را داراست. رقم زدن آگاهانه سرنوشت کودک را امروزه نه تنها خانواده که، جامعه هدف قرار داده‌است.

AKSARIYAT
NO. 259
MONDAY, 29MAY89

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید